



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

شخصیت محوری (سی و یکم)

پرسش‌هایی در باره بحث شخصیت محوری

پرسش سیزدهم

فرزند من ۱۵ ساله است. کل زمان کودکی را با مطالعه کتاب‌های امامان و آشنا شدن با سیره زندگی آن بزرگواران گذرانده است؛ اما الآن که بزرگ شده چنان غرق در سرگرمی‌های متنوع این دوره زمانه شده که به سختی کتاب مذهبی می‌خواند یا به سمت قرآن می‌رود؛ البته ادب و عقل مذهبی خوبی دارد؛ اما من نگرانم که در این سرگرمی‌ها به قدری غرق شود که دچار انحرافات بشود که متأسفانه امروز کم نمی‌بینیم.

اول: تعطیل نشدن وظیفه تربیتی والدین بعد از نوجوانی

درست است که تثبیت شخصیت محوری در دوران کودکی، بار تربیت را به اندازه قابل توجهی سبک می‌کند؛ اما نباید خیال کرد که پس از این، کار والدین و نظارت تربیتی آنها تمام شده است. طبق روایات ما وظیفه تربیتی پدر و مادر تا سن بیست و یک سالگی ادامه می‌یابد. امام صادق (علیه السلام) فرمود:

بگذار فرزندت هفت سال بازی کند، هفت سال تأدیب شود، هفت

سال او را با خودت داشته باش [و در تربیت و آموزش او بکوش] و اگر

[در طی این دوره‌ها] رستگار شد که شد وگرنه از آن کسانی است که



خیری در او نیست.^۱

در روایت دیگری هم از پیامبر خدا ﷺ نقل شده که فرمود:

فرزند تا هفت سال حاکم است (یعنی آزاد) و تا هفت سال بنده است (یعنی باید کاملاً تحت تربیت باشد)، و هفت ساله سوم وزیر است (باید مورد مشورت قرار گیرد)، اگر در بیست و یک سالگی اخلاقش رضایت بخش شد، که شد و گرنه او را به خودش واگذار که در نزد خدا معذوری.^۲

توجه داشته باشید که ما باید تا بیست و یک سالگی وظیفه خودمان را در تربیت انجام دهیم و در این صورت است که پیش خدا معذور هستیم. برخی از والدین همین که فرزندشان از دوران کودکی به سلامت عبور می کند خیالشان آسوده می شود؛ مثلاً وقتی می بینند که فرزندشان اهل نماز و قرآن و مسجد است، خیال می کنند که این فرزند تافته جدا بافته شده و دیگر آسیب خاصی متوجه او نمی شود. از نگاه بنده دوران پیش از هفت سال از حساس ترین دوره های تربیتی است و پس از آن هم دوران بلوغ قرار دارد. مقصود بنده در این جا بلوغ جنسی است که گاهی پس از بلوغ شرعی و

۱. «دَعِ ابْنَكَ يَلْعَبُ سَبْعَ سِنِينَ وَيُؤَدِّبُ سَبْعَ سِنِينَ وَالزَّمَهُ نَفْسَكَ سَبْعَ سِنِينَ فَإِنْ أَفْلَحَ وَإِلَّا فَإِنَّهُ مَمَّنْ لَا خَيْرَ فِيهِ» (الكافی، ج ۶، ص ۴۶).

۲. «الْوَلَدُ سَبْعَ سِنِينَ وَعَبْدٌ سَبْعَ سِنِينَ وَوَزِيرٌ سَبْعَ سِنِينَ فَإِنْ رَضِيتَ أَخْلَاقَهُ لِأَخْدِي وَعَشْرِينَ وَإِلَّا فَاصْرِبِ عَلَيَّ جَنَّتِهِ فَقَدْ أَعْدَرْتِ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى» (مكارم الاخلاق، ص ۲۲۲).



گاهی هم پیش از آن محقق می‌شود. حواسمان باشد که در دوران بلوغ اتفاقاتی در وجود فرزندانمان می‌افتد که او را با دنیای جدیدی آشنا می‌کند. قرار گرفتن در برابر مفهومی به نام گزینه اصلی‌ترین اتفاق این دوران است. اگر شما در این دوران فرزندان را به اعتماد کارهایی که در دوران کودکی کرده‌اید رها کنید، آسیب‌های بسیار جدی متوجه او خواهد شد. و یکی از این آسیب‌ها فاصله گرفتن از شخصیت محوری است.

دوم: باید مراقب ورودی‌های غفلت بود

آمدن شخصیت محوری در زندگی به معنای مصونیت از غفلت نیست. در طول زندگی، عوامل زیادی وجود دارد که موجب غفلت انسان از شخصیت محوری می‌شود. شیطان که بی‌کار نمی‌نشیند. او قسم خورده که بندگان خدا را از راه مستقیم الهی منحرف کند. باید از ورود این عوامل به زندگی خویش و فرزندان جلوگیری کرد و اگر به هر دلیلی این عوامل وارد زندگی شده‌اند، آنها را بیرون کرد.

بدون تردید یکی از عوامل غفلت از شخصیت محوری، استفاده بی‌قاعده از رسانه و فضای مجازی است. ما در جلد پنجم از مجموعه «من دیگرما» که منتشر شده به تفصیل در باره تبعات تلویزیونی شدن در تربیت فرزندان سخن گفته‌ایم و در جلد ششم هم که مسیر انتشار خود را طی می‌کند در باره آثار بازی‌های رایانه‌ای روی تربیت فرزندان سخن گفته‌ایم. استفاده بی‌ضابطه از شبکه‌های اجتماعی هم یکی از عوامل جدید غفلت است.

این که در برابر این پدیده‌های نوظهور چه باید کرد، خود بحث مفصلی



است که بخش قابل توجهی از آن را در جلد پنجم و ششم کتاب «من دیگر ما» توضیح داده ایم؛ اما تا مطالعه آن دو کتاب به این نکات توجه کنید:

الف) برای این که فرزندان شما به سوی سرگرمی‌های کاذب نروند، باید زمینه سرگرمی‌های مفید را برایشان فراهم کنید و به یقین قصه نمی‌تواند همه سرگرمی یک کودک یا نوجوان باشد. بازی، کاردستی، کارهای هنری، مطالعه در صورتی که سواد داشته باشد اگر هم سواد ندارد، کتابخوانی از سوی شما برای او، مشارکت در کارهای خانه و... از اموری است که می‌تواند وقت فرزند را به صورت مفید بگذراند.

ب) مصرف رسانه‌ای پدر و مادر تأثیر ویژه‌ای روی فرزند دارد. یقین بدانید که بخش قابل توجهی از مصرف رسانه‌ای والدین در دنیای امروز از روی عادت و یا حتی اعتیاد است. شما مصرف رسانه‌ای خودتان را پایین بیاورید تا حداقل زمینه رسانه‌ای شدن فرزندتان را فراهم نکرده باشید.

ج) خانواده‌های امروزی یک مشکل بزرگ دارند. آنها اگرچه در ظاهر کنار هم هستند؛ اما جمع خانوادگی ندارند. افراد خانواده، دور سفره یا روبروی تلویزیون کنار هم جمع می‌شوند، اما با هم گفتگوی خاصی ندارند. کم هستند خانواده‌هایی که به صورت مرتب (نه استثنا) دور هم جمع شوند و در باره مسائل مختلف با هم صحبت می‌کنند. جمع‌های خانوادگی اگر با مهربانی و احترام متقابل برگزار شده و در آن بحث‌های مفیدی هم انجام بگیرد، می‌تواند گرایش فرزندان شما را به فضای مجازی و رسانه کم کند.